

China's Economic Diplomacy in Post-ISIS Syria

Samaneh Movahedi^۱

Majid Abbasi^۲

(Received: 16/03/2023 - Accepted: 07/05/2023)

Abstract

The economic diplomacy of China in the Middle East in general, and Syria in particular has entered a new stage. Proposing a new type of international relations and a society with a shared future for mankind, China is strengthening energy and infrastructure cooperation with Syria and expanding cooperation in finance, post-war reconstruction, the sanitation and health industry. Technological innovation and green development have become new motivations for improving cooperation, and a pattern of multi-level and multi-faceted cooperation between China and Syria has been formed.

This research was conducted with the aim of China's economic diplomacy in post-ISIS Syria and with a descriptive-analytical method. Based on the results obtained from the research, China adjusted its economic diplomacy in the Middle East in the new era by considering multi-dimensional factors: First, to respond to the new demands of both sides for economic development, looking for solutions to accelerate the growth of the model Economic cooperation with Syria and increasing high-level cooperation and promoting a peaceful and stable regional environment and strengthening diplomatic support. The results of the research show that Beijing's economic diplomacy, despite adhering to the principle of non-intervention, has a more flexible and pragmatic approach. China's economic diplomacy is basically in such a way that it uses its diplomatic resources to intervene to protect its investments and assets when necessary, and uses economic incentives to advance its defined foreign policy goals at critical points and in specific circumstances.

Keywords: China, Syria, Economic Diplomacy, Conflict, Non-intervention.

^۱ Ph. D Student, Department of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (S.movahedi@atu.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-4551-5273>

^۲ Associate Professor, Department of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (dr.majidabbasi@gmail.com) **Corresponding Author**

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-3729-5861>

دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه پساداعش

سمانه موحدی^۱

مجید عباسی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷)

چکیده

دیپلماسی اقتصادی چین در خاورمیانه به طور عام و سوریه به طور خاص وارد مرحله جدیدی شده است. چین با پیشنهاد ایجاد نوع جدیدی از روابط بین‌الملل و جامعه‌ای با آینده‌ای مشترک برای بشر، در حال تقویت همکاری‌های انرژی و زیرساختی با سوریه و گسترش همکاری‌ها در امور مالی، بازسازی پس از جنگ و صنعت بهداشت است. نوآوری فناورانه و توسعه سبز به انگیزه‌های جدیدی برای بهبود همکاری تبدیل شده است و الگوی همکاری چند سطحی و چند وجهی چین و سوریه شکل گرفته است. این پژوهش با هدف دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه پساداعش و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش چین دیپلماسی اقتصادی خود را در خاورمیانه در عصر جدید با در نظر گرفتن عوامل چند بعدی تنظیم می‌کند: اول، برای پاسخ به تقاضاهای جدید هر دو طرف برای توسعه اقتصادی، به دنبال راه‌حلی برای تسریع رشد الگوی همکاری اقتصادی خود با سوریه و افزایش همکاری در سطح بالا و ترویج یک محیط منطقه‌ای صلح‌آمیز و ثبات و تحکیم حمایت دیپلماتیک است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی پکن با وجود پایبندی به اصل عدم مداخله، رویکرد انعطاف‌پذیرتر و عمل‌گرایانه‌تری دارد. دیپلماسی اقتصادی چین اساساً به گونه‌ای است که در صورت لزوم از منابع دیپلماتیک خود

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (S.movahedi@atu.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-4551-5273>

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (dr.majidabbasi@gmail.com) نویسنده

مسئول

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-3729-5861>

۴ فصلنامه تعاملات دیپلماتیک

برای مداخله برای حفاظت از سرمایه‌گذاری‌ها و دارایی‌های خود استفاده می‌کند و از
انگیزه‌های اقتصادی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی تعریف شده خود در نقاط حساس و
در شرایط خاص بهره می‌گیرد.

واژگان کلیدی: چین، سوریه، دیپلماسی اقتصادی، درگیری، عدم مداخله.

قرن بیست و یکم شاهد گسترش شدید سرمایه‌گذاری خارجی چین در خارج از کشور خود به ویژه در حوزه انرژی، پروژه‌های منابع طبیعی و زیرساخت‌های استفاده دوگانه (هم برای اهداف غیرنظامی و هم برای اهداف نظامی) بوده است. دیپلماسی اقتصادی چین به طور فزاینده‌ای به دنبال تبدیل قدرت اقتصادی خود به ظرفیت‌های حاکمیت اقتصادی جهانی است. از ویژگی‌های اساسی آن حمایت از چندجانبه‌گرایی و تجارت آزاد، حمایت از انصاف و همکاری برد-برد، قصد ایجاد یک اقتصاد جهانی باز و جهانی‌سازی فراگیرتر، متعادل‌تر و سودمندتر است. به همین نسبت این کشور دیپلماسی اقتصادی خود را در خاورمیانه وارد مرحله جدیدی کرده است. تضمین امنیت انرژی و پیگیری منافع اقتصادی مدت‌هاست که اهداف اصلی چین در خاورمیانه باقی مانده است. در عصر جدید، هماهنگی فزاینده ابتکار کمربند و جاده (BRI) با استراتژی‌های توسعه کشورهای منطقه، روابط اقتصادی آنها را تقویت می‌کند و روابط دیپلماتیک را تعمیق می‌بخشد. کشورهای خاورمیانه به طور فزاینده‌ای از چین انتظار دارند نقش کلی و سازنده‌تری در منطقه ایفا کند. با این حال، غرب به تدریج نگران نفوذ فزاینده چین در خاورمیانه، به ویژه دیپلماسی فعال اقتصادی آن است.

کشور چین در چارچوب طرح کمربند و جاده (BRI)، به تأمین مالی، عملیات و ایجاد زیرساخت‌های لازم در سراسر خاورمیانه و سایر مناطق کمک می‌کند. این کشور متعهد شده است که به کشورهای خاورمیانه در توسعه زیرساخت‌ها کمک کند و از آنها دعوت کرده تا به اعضای بنیانگذار بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا^۲ (AIIB) تبدیل شوند. در نتیجه ده کشور منطقه (مصر،

۱ Belt and Road Initiative

۲ Asian Infrastructure Investment Bank

اسرائیل، ایران، اردن، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، ترکیه و امارات متحده عربی) به آن پیوستند و وعده زیرساخت‌ها و توسعه در محاسبات برخی کشورها به آنها داده شد که در زمینه‌های اقتصادی و صلح طلبانه همکاری کنند. اگرچه در گذشته چین نسبت به عملیات حفظ صلح تحت سازمان ملل بدبین بود، اما در دهه ۱۹۸۰ رویکرد خود را تغییر داد و در سال ۱۹۹۰، اولین ناظران چینی در سازمان نظارت بر آتش‌بس سازمان ملل متحد در خاورمیانه شرکت کردند. از آن زمان، چین در عملیات‌های حافظ صلح سازمان ملل متحد در لبنان شرکت کرده و مستشاران نظامی را در سوریه مستقر کرده است (اوسترولد؛ ۲۰۲۳: ۳). چین همچنین ناوگان خود را در خلیج عدن برای حمایت از ماموریت مبارزه با دزدی دریایی در دریا‌های عرب حفظ کرده است. بیش از نیمی از نیروهای حافظ صلح چین در خاورمیانه مستقر هستند و عمدتاً در سواحل سومالی به عنوان بخشی از یک عملیات، گشت زنی می‌کنند (سولکی؛ ۲۰۲۳: ۴۱۵).

علاوه بر این، در سال ۲۰۱۶، پکن اولین پایگاه دریایی خارج از کشور خود را در جیبوتی به عنوان یک مرکز پشتیبانی برای نیازهای نیروی دریایی ارتش آزادیبخش خلق (PLAN) ایجاد کرد. به گفته دولت چین، این پایگاه در جیبوتی برای بیش از ۲۴۰۰ سرباز چینی خواهد بود که به ماموریت‌های مبارزه با دزدی دریایی، صلح سازمان ملل و نجات بشردوستانه در این منطقه کمک می‌کنند. از سوی دیگر، پایگاه در جیبوتی تجربه ایجاد پایگاه‌های نظامی بیشتر در خارج از کشور و گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه را می‌دهد (سینگ؛ ۲۰۲۲: ۵).

۱ Oosterveld

۲ Szulecki

۳ Singh

دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه پساداعش ۷

دیپلماسی میانجی‌گری به عنوان یکی از ستون‌های اصلی اهداف و رویه‌های سیاست خارجی چین ظاهر شده است، به طوری که پکن عمداً خود را به عنوان یک کشور صلح‌ساز در درگیری‌ها و بحران‌های خاورمیانه (مانند سوریه، یمن، ایران، قطر، و اسرائیل) نشان می‌دهد. دیپلمات‌ها و رهبران چینی پیشنهاد‌های غیردیپلماتیکی را برای ایفای نقش میانجی در برخی از این موارد ارائه کرده‌اند (سان، ۲۰۲۲: ۴۱۴). پکن همچنین به دنبال ایفای نقش سازنده‌تری در حل مناقشه در بحران هسته‌ای ایران و جنگ داخلی سوریه از طریق تقویت همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با دیگر قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های منطقه‌ای است (گازیزا، ۲۰۱۸: ۳۲). این پژوهش با هدف بررسی رویکرد دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه‌ی پساداعش سعی در پاسخ به این سوال دارد که چگونه چین از ابزارهای دیپلماتیک برای محافظت از منافع تجاری و پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود در سوریه می‌پردازد؟

چارچوب نظری

در روابط میان دولت‌ها، قدرت به معنای قابلیت نفوذ در رفتار دیگران به منظور حصول نتایج دلخواه، تعریف شده است. قدرت یعنی دارا بودن قابلیت‌ها یا منابعی که می‌توانند بر تحقق نتایج مورد نظر تأثیر داشته باشند. در تعاریف کلاسیک از قدرت دولت‌ها به کشوری قدرتمند اطلاق می‌شود که دارای جمعیت و سرزمینی بزرگ، منابع طبیعی زیاد، قدرت اقتصادی، نیروی نظامی و ثبات اجتماعی باشد. جوزف نای محقق برجسته روابط بین‌الملل، قدرت را به دو نوع تقسیم می‌کند: قدرت سخت و قدرت نرم. نای مفهوم قدرت نرم را در سال ۱۹۹۰، به عنوان جایگزین قدرت سخت، در مقاله‌ای در نشریه فارن

۱. Sun

۲. Chaziza

پالیسی مطرح کرد. قدرت سخت و قدرت نرم با یکدیگر مرتبط هستند؛ چرا که هر دو را می‌توان وجوه دوگانه توانایی و قابلیت دانست که با تحت تأثیر قرار دادن رفتار دیگران، هدف مطلوب را حاصل می‌کند. در جامعترین تعریفی که از قدرت نرم توسط ژوزف نای ارائه شده، قدرت نرم چنین تعریف شده است: "قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دادن به اولویت‌ها و ترجیحات دیگران با تکیه بر عنصر اقتناع سازی از طریق به کارگیری عنصر جذابیت" (نای، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۶). به اعتقاد نای، قدرت نرم توانایی بدست آوردن خواسته‌ها از طریق جذابیت است نه پول یا زور. به عبارت دیگر قدرت نرم، یعنی توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع. قدرت نرم از جذابیت فرهنگ، ایده‌آل‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌شود. قدرت نرم به ما اثرگذاری بیشتری نسبت به سیاست‌های موازنه‌ی قوا عطا کرده است. بدون اتحاد و همکاری کشورهای دیگر، نمی‌توان در هر جا جنگی را راه‌اندازی نمود. قدرت نرم یعنی این که دیگران را ترغیب نماییم که همان چیزهایی را بخواهند که ما می‌خواهیم؛ مردم بیش از آنکه مجبور به انجام کاری شوند، به همکاری گرفته می‌شوند. قدرت نرم بر قابلیت شکل دادن به علایق دیگران تکیه دارد. برخی از پژوهشگران، قدرت نرم را واجد پنج عنصر کلیدی می‌دانند: فرهنگ، ایده‌ها، مدل توسعه، نهادهای بین‌المللی و تصویر بین‌المللی. (Yu, 2008:122)

قدرت نرم یک کشور اساساً بر سه منبع استوار می‌شود که عبارتند از: فرهنگ آن کشور؛ در موضعی که برای دیگر بازیگران جذاب است؛ ارزش‌های سیاسی آن کشور؛ وقتی که در داخل و خارج ملموس و زنده باشند؛ و سیاست‌های خارجی آن کشور؛ وقتی که مشروع جلوه کنند و مشروعیت اخلاقی نیز داشته باشند.

فرهنگ، مجموعه ارزش‌ها و اعمالی است که برای یک جامعه معنا سازی می‌کند. فرهنگ جلوه‌های بسیاری دارد. وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های

دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه پساداعش ۹

جهانی را در برگیرد و سیاست‌های آن، ارزش‌ها و منافعی را پیش برد که دیگران نیز از آنها بهره می‌برند، این بازیگر احتمال دست یافتن به نتایج مطلوب خود را بالا می‌برد؛ چرا که به خاطر روابط جذاب و وظیفه‌ای که فرهنگ آن بازیگر ایجاد کرده است، قدرت و نفوذ آن افزایش پیدا می‌کند. ارزش‌ها و فرهنگ‌های محدود و کوتاه‌نظر، به احتمال بسیار کمتری می‌توانند قدرت نرم ایجاد کنند. ارزش‌های سیاسی که یک حکومت در رفتار داخلی خود (برای مثال اجرای دموکراسی)، در سازمان‌های بین‌المللی (همکاری با دیگران) و در سیاست خارجی (گسترش صلح و حقوق بشر) در پیش می‌گیرد، به شدت اولویت‌های دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حکومت‌ها می‌توانند با نفوذ و گسترش دادن الگوی خود، دیگران را جذب یا دفع کنند. سیاست‌های حکومت می‌توانند قدرت نرم یک کشور را تقویت یا تضعیف کند. سیاست‌های داخلی یا خارجی که ریاکارانه، متکبرانه، بینفاوت به نظر دیگران یا بر اساس رویکردی بسیار کوتاه‌نظرانه نسبت به منافع ملی باشند، می‌توانند قدرت نرم را تضعیف کنند. در سطوح دانشگاهی و آکادمیک، مباحث و مناظرات بسیاری بین نظریه‌پردازان واقع‌گرا از قبیل کنت والتز، مرشایمر، استفن والت و نیل فرگوسن از یک طرف، و نظریه‌پردازان لیبرال از قبیل جوزف نای، کاتزنشتاین، جانیس مترن و الکساندر ووینگ از طرف دیگر، در ارتباط با مفید یا غیرمفید بودن مفهوم قدرت نرم، چگونگی تأثیر متقابل قدرت سخت و نرم بر یکدیگر، چگونگی رابطه بین ساختار و کارگزار، شکل‌گیری موازنه نرم و بسیاری دیگر از مباحث صورت گرفته است. این مفهوم توسط بسیاری از نظریه‌پردازان غیر لیبرال روابط بین‌الملل، خصوصاً واقع‌گرایان مورد انتقاد قرار گرفته است. به عنوان مثال، نیل فرگوسن این مفهوم را غیرمؤثر و غیر مفید می‌داند. دیگر نویسندگان نواقع‌گرا به استثنای استفن والت، این مفهوم را غیرقابل دسترسی دانسته و معتقدند که بازیگران عرصه روابط بین‌الملل تنها دو نوع گرایش و یا انگیزه برای عمل دارند: انگیزه‌های اقتصادی و انگیزه‌های

مرتبط با اجبار و نیروی نظامی (ماترن، ۲۰۰۵: ۵۸۶).

با تداوم رشد سریع اقتصادی چین و قدرت‌یابی آن در نظام بین‌الملل، این کشور بیش از پیش به نقش قدرت نرم در استراتژی خارجی خود وقوف یافته است. چین به گونه‌ای روزافزون به ایجاد قدرت نرم برای پیشبرد استراتژی دیپلماتیک خود گرایش پیدا کرده است. از آنجایی که قدرت نرم چین در حال شکل‌گیری است، این کشور باید با برآورد تقاضاهای بیرونی نسبت به قدرت نرم خود، طرح‌هایی را برای ارتقاء جایگاه آن در استراتژی دیپلماتیک خود به کار بندد. چین طی چند دهه گذشته و پس از شروع اصلاحات در این کشور، ابتدا به تقویت شاخص‌های قدرت سخت خود پرداخته و سپس در سال‌های اخیر با اتکا به این توانایی‌ها و خصوصاً توان اقتصادی، بر روی تقویت قدرت نرم خود تمرکز کرده است (نریمانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

دیپلماسی اقتصادی چین در خاورمیانه

به طور کلی، دیپلماسی اقتصادی را باید به عنوان یک ارتباط تعاملی دو سویه بین اقتصاد و دیپلماسی، هر دو هدف و ابزار یکدیگر، با هدف خدمت به اهداف وجودی، امنیت و توسعه کشور نگریست. در تعریف دیگری دیپلماسی اقتصادی به عنوان یک گفتگوی دو طرفه بین قدرت و ثروت توسط دولت‌ها است. با این حال، برخی آن را تنها به عنوان فعالیت‌هایی می‌دانند که توسط دولت‌ها برای حل و فصل اختلافات اقتصادی از طریق راه‌های صلح‌آمیز انجام می‌شود و تأثیر فعالیت‌های اقتصادی بر دیپلماسی یا مسائل سیاسی یک دولت را انکار می‌کنند (کاستنر و پیرسون، ۲۰۲۱: ۱۸). دیپلماسی اقتصادی بخش مهمی از دیپلماسی خاورمیانه‌ای چین است که بر تامین امنیت انرژی و منافع اقتصادی تمرکز دارد. اما بحث‌هایی وجود دارد که آیا چین قصد دارد از طریق

۱ Kastner and Pearson

دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه پس‌اداعش ۱۱

دیپلماسی اقتصادی به یک قدرت سیاسی خارجی با نفوذ در منطقه تبدیل شود. برخی بر این باورند که چین انتظار دارد منابع اقتصادی خود را به نفوذ سیاسی در خاورمیانه تبدیل کند، اما از دخالت‌های دیپلماتیک و نظامی در مقیاس بزرگ اجتناب می‌کند، به‌ویژه از زمانی که رقابتش با ایالات متحده به طور فزاینده‌ای تشدید شده است (متئو، ۲۰۱۸: ۴). برخی حتی پیشنهاد کردند که چین باید سرمایه‌گذاری خود را در منابع اقتصادی و سیاسی افزایش دهد تا نفوذ خود را به عنوان یک قدرت خارجی بزرگ در خاورمیانه تقویت کند (اورون، ۲۰۱۷: ۱۲۹). با این حال، برخی تحقیقات نشان دادند که قدرت اقتصادی یک کشور نمی‌تواند مستقیماً یا به راحتی به نفوذ سیاسی تبدیل شود و فرآیند تبدیل پیچیده و نامشخص است (کاستنر و پیرسون، ۲۰۲۱: ۱۹). تا حدی تاکید بر انگیزه‌های سیاسی، ویژگی اقتصادی همکاری بین چین و کشورهای خاورمیانه را نادیده می‌گیرد و تا حدی اهداف و ماهیت دیپلماسی اقتصادی خاورمیانه را منحرف می‌کند.

در حالی که در گذشته، پکن تمایل داشت که دیپلماسی و اقتصاد را به عنوان موضوعات جداگانه در نظر بگیرد، از دهه ۲۰۰۰، دیپلماسی اقتصادی به یک رشته مهم در سیاست خارجی چین تبدیل شد (مدیروس، ۲۰۰۹: ۲۳). مفهوم چینی دیپلماسی اقتصادی به عنوان استفاده از سیاست‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و مالی برای حمایت از اهداف دیپلماتیک، سیاسی و استراتژیک چین تعریف شده است و بر تامین منابع، گسترش بازارهای صادراتی و ارتقای قدرت نرم چین برای پیشبرد توسعه اقتصادی چین تمرکز دارد. « (وانگ، ۲۰۲۳: ۳).

۱ Matteo

۲ Medeiros

۳ Wang

دیپلماسی اقتصادی چین شامل طیف گسترده‌ای از اقدامات اقتصادی و مالی، از جمله تجارت، سرمایه‌گذاری و همه اشکال همکاری‌های اقتصادی است. همچنین شامل دیپلماسی دولتی و نظامی، همراه با هر سیاست دیگری که سود اقتصادی را ارتقا می‌دهد، به منظور دسترسی به منابع، بازارها، سرمایه، فناوری‌ها یا نیروی کار ماهر به نفع اقتصادی چین است. به طور گسترده‌تر، دیپلماسی اقتصادی چین نمایان‌گر امید دیرینه چین برای بازگرداندن عظمت گمشده ملی پکن، مطابق با «روای چینی» که زمینه و چشم‌اندازی را برای آن فراهم می‌کند، است (چاینا دیلی، ۱۶: ۲۰: ۸). این رویکرد پیش‌بینی می‌کند که ابزارها و فعالیت‌های تجاری باید در خدمت اهداف و مقاصد دیپلماتیک باشند و بالعکس. (هیت، ۲۰۲۳: ۱۵۹).

رویکرد دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه

همکاری چین در کشورهای عربی در زمینه انرژی، تجارت غیرنفتی و ساخت و ساز زیرساخت بیشتر بهینه شده است. در بخش انرژی، چین در سال ۲۰۲۰، ۲۵۰ میلیون تن نفت خام از این کشورها، بزرگترین منبع واردات انرژی خارج از کشور، بوده است. عربستان سعودی، عراق، عمان، امارات و کویت در میان ۱۰ تامین‌کننده برتر نفت خام چین قرار دارند. در این میان، چین ۸۴۹ میلیون تن نفت خام از عربستان سعودی در سال ۲۰۲۰ وارد کرد که رشد ۱۶۹ درصدی داشت. علاوه بر تجارت نفت، چین همکاری انرژی خود را با سوریه نیز در زمینه‌ی حفاری، تحقیق و توسعه و پالایشگاه گسترش داده است؛ البته هنوز سوریه به ثبات کافی برای پیشبرد اهداف نرسیده است اما کشورهای عربی دیگر در این زمینه فعال‌تر بوده‌اند به عنوان نمونه در ژوئیه ۲۰۱۸، چین و

۱ China Daily

۲ Heath

دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه پس‌اداش ۱۳

امارات متحده عربی به توافقی برای اکتشاف نفت به ارزش ۱,۶ میلیارد دلار رسیدند که بزرگترین پروژه زمین‌شناسی زمینی و دریایی جهان بود. در فوریه ۲۰۱۹، یک شرکت چینی برای اولین بار برنامه تحقیقاتی آرامکوی سعودی را به دست آورد.

در رابطه با تجارت غیرنفتی، محصولات با ارزش افزوده بالا باعث رشد صادرات کالاهای چین به خاورمیانه می‌شود. چین به بزرگترین شریک تجاری ایران و ۱۰ کشور عربی از جمله عربستان سعودی، مصر، سوریه و کویت تبدیل شده است. حجم صادرات این کشور به منطقه به ۱۶۳,۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسید که از ۱۴۴,۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ افزایش یافت. صادرات چین به عربستان سعودی، ترکیه، سوریه و مصر به ترتیب ۱۸,۴٪، ۱۸٪، ۸,۹٪ و ۱۲,۱٪ افزایش یافت. ماشین آلات و محصولات با فناوری پیشرفته ۶۷,۴ درصد از صادرات چین به کشورهای عربی را تشکیل می‌دهند که آشکارا باعث افزایش صادرات شده است.

چین همچنین مشارکت خود را در ساخت زیرساخت‌ها در سوریه افزایش داده است. همکاری‌های مالی چین و سوریه به سرعت در حال بهبود است. چین به تدریج سرمایه‌گذاری در سوریه را افزایش داده است و در سال ۲۰۲۱ به بزرگترین سرمایه‌گذار خارجی در منطقه تبدیل شد و ۳۱,۹ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در اختیار داشت (میدل ایست مانیتور، ۲۰۱۷). بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB) به عنوان یک پلتفرم جدید برای همکاری مالی بین هر دو طرف ظهور کرده است. دوازده کشور خاورمیانه از جمله سوریه به عضویت کامل درآمده‌اند که ۱۰,۸۲ درصد از حق رای را به خود اختصاص داده‌اند و شش کشور دیگر پیشنهاد پیوستن به آن را

داده‌اند (گزارش بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، ۲۰۲۲). از سال ۲۰۱۷، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا ۲۰ پروژه وام و سرمایه‌گذاری برای ترکیه، مصر، عمان و اردن به مبلغ ۴,۴۷ میلیارد دلار آمریکا تصویب کرده است. چین و کشورهای خاورمیانه به طور مداوم مکانیسم‌های چندجانبه جدیدی را برای ارتقای همکاری‌های مالی خود ایجاد کردند، مانند کنسرسیوم بانک کشورهای عربی چین که در ژوئیه ۲۰۱۸ تأسیس شد.

اما بیشترین نقش چین مربوط به بازسازی سوریه است. در هشتمین نشست وزرای مجمع همکاری چین و کشورهای عربی، چین اعلام کرد که ۶۰۰ میلیون یوان به سوریه، یمن، اردن و لبنان برای کمک‌های بشردوستانه و بازسازی زیرساخت‌ها ارائه می‌کند. شرکت‌های چینی مشارکت خود را در بازسازی پس از جنگ در خاورمیانه افزایش داده‌اند. چین و عراق به همکاری «نفت برای بازسازی» دست یافته‌اند که بر اساس آن عراق ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز به چین در ازای سرمایه‌گذاری چین در بازسازی صادر می‌کند (زیدان، ۲۰۱۹: ۲). در سوریه، دولت اسد علنا ادعا کرده است که چین و روسیه با در نظر گرفتن اولویت‌ها به بازسازی سوریه خواهند پرداخت. چین از سوریه در اولویت دادن به بازسازی اقتصادی حمایت می‌کند و هیئت‌های تجاری را برای شرکت در نمایشگاه بازسازی سوریه اعزام کرده است. در ژانویه ۲۰۲۲، چین و سوریه یک یادداشت همکاری برای ساخت مشترک کمربند و جاده امضا کردند که مشارکت بیشتر چین در بازسازی سوریه را تشویق خواهد کرد.

در مناطق درگیری که چین حضور قابل توجهی در قالب دارایی، سرمایه‌گذاری، شرکت یا شهروندان دارد، گاهی اوقات به جای رعایت دقیق اصل عدم مداخله خود، مجبور به مداخله در امور محلی می‌شود. اگرچه چین از لحاظ تاریخی

۱. AIIB

۲. Zidane

دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه پس‌ادعش ۱۵

حداقل نقش امنیتی یا دیپلماتیک را ایفا کرده است، اما سیاست عدم مداخله آن در اینجا، مانند مناطق دیگر، انعطاف‌پذیرتر، عمل‌گرایانه‌تر و تجربی‌تر از آن چیزی است که اغلب به تصویر کشیده می‌شود. قرار گرفتن در معرض شدید این تهدیدات متنوع، توسعه و به کارگیری ماهرانه ابزارهای دیپلماتیک و نظامی را برای چین برای پاسخ به آنها ضروری ساخته است. پکن به طور فزاینده‌ای عمدتاً از طریق نهادهای چندجانبه مانند اتحادیه عرب و مجمع چین-خلیج فارس در جبهه دیپلماتیک فعال شده است. بنابراین، دخالت چین در حل و فصل مناقشات سوریه یک موضوع انتخابی نیست، بلکه ناشی از ضرورت قدرتی در حال ظهور است که در تلاش برای رقابت با ایالات متحده در حوزه‌های مختلف است. چین به طور مداوم خواستار حل مناقشه از طریق مذاکره و گفتگو (حل و فصل سیاسی) است و به شدت بر صلح، همکاری و توسعه اقتصادی تأکید می‌کند. مشارکت چین شامل کمک به نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، میانجیگری بین طرف‌های درگیر، تعیین فرستادگان ویژه یا میزبانی گفتگوها در راستای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی این کشور و ترسیم چهره‌ای صلح‌طلب از چین است (ون و چن، ۲۰۲۲: ۸).

رویکرد دیپلماسی اقتصادی چین در حمایت از اهداف سیاست خارجی خود شامل چهار اقدام دیپلماتیک است که عبارتند از: حمایت از شهروندان و سرمایه‌گذاری‌ها، توسعه اقتصادی و کمک‌های اقتصادی؛ اقدامات تنبیهی و مشوق‌های اقتصادی؛ ساخت یا بهره‌برداری از زیرساخت‌های دو منظوره (ژوانلی، ۲۰۲۱: ۴۹۷).

۱ Wen and Chen

۲ Xuanli

حفاظت از شهروندان و سرمایه‌گذاری‌ها

اتحادیه عرب در مارس ۲۰۲۰ قطعنامه‌ای برای قدردانی از تلاش‌های چین برای مبارزه با بیماری همه‌گیر کرونا تصویب کرد. کشورهای خاورمیانه نیز علناً از سیاست اویغور چین حمایت کردند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، مصر، الجزایر و سوریه به طور مشترک نامه‌ای به شورای حقوق بشر سازمان ملل برای تمجید از وضعیت حقوق بشر چین در سین کیانگ تحویل دادند. از سوی دیگر، همکاری‌های اقتصادی باعث تقویت ارتباط مردم به مردم بین چین و کشورهای خاورمیانه می‌شود. نظرسنجی INR در نوامبر ۲۰۱۸ نشان داد که ۴۶ درصد از ترک‌ها نگاه مثبتی به چین دارند و از اکتبر ۲۰۱۵ افزایش مستمری را نشان می‌دهد (احوال نیوز؛ ۲۰۱۹). تحقیقات پیو در سال ۲۰۱۹ نشان داد که بیش از ۶۰ درصد از مصاحبه‌کنندگان در سوریه، لبنان و تونس دیدگاه مطلوبی نسبت به چین داشتند (سیلور و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۹). بر اساس آخرین نظرسنجی، چین بیشترین استقبال را از قدرت بزرگ خارجی دارد و ۹ کشور از ۱۲ کشور عربی بیش از ۴۹ درصد از مردم طرفدار تقویت روابط اقتصادی با چین هستند (رابینز، ۲۰۲۰: ۲).

از سوی دیگر چین به منظور حفاظت از شهروندان و دارایی‌های خود در مناطق درگیری، میان‌نمایندگان دولت و مخالفان (مثلاً در سوریه یا یمن) میانجیگری کرده است. دیپلماسی اقتصادی چین علاقه‌مند به ادامه پیشبرد روابط دیپلماتیک و اقتصادی با دولت‌های کشور میزبان است و همزمان با مخالفان و گروه‌های شورشی درگیر می‌شود. این رویکرد می‌تواند ایجاد یک محیط سیاسی باثبات برای شهروندان و دارایی‌های چین را تسهیل کند، در حالی که می‌تواند به

۱ Ahval News

۲ Silver

۳ Robbins

محافظت در برابر عدم قطعیت‌های ناشی از تغییرات رژیم کمک کند (رامانی، ۲۰۲۲: ۷).

توسعه اقتصادی و کمک‌های اقتصادی

تقویت دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه به معنای تشدید رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های خارجی در منطقه نیست. برخلاف آمریکا و اتحادیه اروپا که کمک‌های اقتصادی و تحریم‌ها را ابزار سیاست «چماق و هویج» خود می‌دانند، چین هیچ تحریم یکجانبه‌ای را علیه کشورهای خاورمیانه خارج از قطعنامه‌های سازمان ملل اعمال نمی‌کند. همچنین، تجارت، سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی چین به منطقه بدون شرایط سیاسی انجام می‌شود که نشان‌دهنده احترام متقابل و همکاری برد-برد به عنوان ویژگی‌های دیپلماسی اقتصادی آن است. از زمان اتفاقات کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، اهمیت همکاری چین و ایالات متحده در زمینه‌های اقتصاد، سیاست و امنیت در خاورمیانه افزایش یافته است و تعاملات بیشتر چین در منطقه برای جبران کسری حکمرانی مفید واقع شده است. رئیس‌جمهور شی گفت: «به جای جستجوی نیابتی در خاورمیانه، ما مذاکرات صلح را ترویج می‌کنیم. به جای جستجوی هر حوزه‌ای از نفوذ، از همه طرف‌ها می‌خواهیم که به حلقه دوستان برای طرح کمر بند و جاده پیوندند. ما یک شبکه مشارکت جمعی برای نتایج برد-برد ایجاد می‌کنیم» (چاینا دیلی، ۲۰۱۶). به طور کلی، چین نفوذ خود را در سوریه از طریق دیپلماسی اقتصادی با هدف ارتقای صلح و ثبات در منطقه و تامین کالاهای عمومی به جای تشدید رقابت ژئوپلیتیکی با ایالات متحده بهبود می‌بخشد.

به دلیل اعتقاد چین مبنی بر اینکه روند توسعه اقتصادی - اجتماعی متوقف شده،

۱ Ramani

۲ China Daily

یکی از دلایل زیربنایی درگیری‌ها در جهان است، تمرکز دیپلماسی این کشور تلاش برای بهبود این وضعیت است (چاینادیلی، ۲۰۱۶). چین از دیپلماسی اقتصادی در راستای توسعه اقتصادی و کمک‌های بشردوستانه هم برای محافظت و پیگیری سرمایه‌گذاری‌های تجاری و دارایی‌های اقتصادی خود و هم برای نشان دادن تصویر چین به عنوان یک قدرت مسئول که برای بهبود توسعه اجتماعی-اقتصادی از طریق همکاری تلاش می‌کند، استفاده می‌کند. این فصل جدید در دیپلماسی منطقه‌ای پکن دارای سبک و ویژگی‌های متمایز چینی است.

اقدامات تنبیهی و انگیزه‌های اقتصادی

رویکرد دیپلماسی اقتصادی چین از اقدامات تنبیهی و انگیزه‌های اقتصادی برای پاسخ به بحران‌های منطقه‌ای و تلاش برای حل و فصل درگیری‌ها، به‌ویژه جایی که چین درگیر است، می‌باشد. این امر به ویژه در کشورهای تحت انزوای بین‌المللی که به چین به عنوان مقصد اصلی صادرات و منبع سرمایه‌گذاری متکی هستند، منعکس می‌شود. پکن به دلیل حمایت از این رژیم‌ها مورد انتقاد جامعه بین‌المللی قرار گرفته است و بر همین اساس نسبت به مقاومت این کشورها برای همکاری با نهادهای بین‌المللی بی‌تاب شده است (یانگ، ۲۰۲۲: ۳۴).

دیپلماسی اقتصادی همچنین به عنوان ابزاری ضروری برای چین برای میانجیگری درگیری‌ها در خاورمیانه عمل می‌کند. چین به دلیل نفوذ سیاسی و تاکتیک‌های میانجی‌گری محدود خود در منطقه، تمایل دارد تا درگیری‌های منطقه‌ای را آشتی دهد و راه‌حل سیاسی را از طریق ابزارهای اقتصادی پیش ببرد. ارائه کمک‌های اقتصادی و بشردوستانه به کشورهای شکننده به شکل مهمی از دیپلماسی اقتصادی چین در قبال خاورمیانه تبدیل شده است. از زمان آغاز بحران سوریه، چین کمک‌های بشردوستانه به ارزش بیش از ۶۸۵ میلیون یوان را به سوریه رسانده و قراردادهای همکاری اقتصادی و فناوری با آن امضا کرده است. همچنین، از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ بیش از ۱۰۰۰۰ تن کمک

دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه پس‌اداش ۱۹

غذایی به یمن برای کمک به یمن برای کاهش بحران غذایی ارائه کرده است. از آنجایی که درگیری فلسطین و اسرائیل در می ۲۰۲۱ تشدید شده بود، چین اعلام کرد که به فلسطین کمک اضطراری یک میلیون دلاری و ۲۰۰۰۰۰ دوز واکسن کووید-۱۹ برای جلوگیری از بدتر شدن بحران انسانی ارائه کرده است (ون و چین، ۲۰۲۲: ۱۸). ترویج مذاکرات صلح چین از طریق دیپلماسی اقتصادی به افزایش اعتبار سیاسی این کشور در منطقه کمک می‌کند. البته به نظر می‌رسد در صورت سرمایه‌گذاری کلان چین در سوریه، اسد باید تضمین دهد که نخواهد گذاشت اوضاع سوریه به چند سال گذشته باز گردد، زیرا بازگشت به شرایط ناامنی و آشوب سبب آسیب به سرمایه‌گذاری‌های چین خواهد شد.

نتیجه

در عصر جدید، دیپلماسی اقتصادی چین نقاط رشد جدید و الگوهای همکاری را توسعه و در عین حال همکاری در انرژی را گسترش داده است. ابتکار کمربند و جاده و پیشنهاد ایجاد جامعه‌ای با آینده‌ای مشترک برای نوع بشر که بیشتر با استراتژی‌های توسعه کشورهای خاورمیانه یکی از ستون‌های مهم دیپلماسی اقتصادی چین را تشکیل می‌دهد و دیپلماسی اقتصادی همکاری چین و سوریه را در زمینه‌های بیشتری تقویت می‌کند و روابط دیپلماتیک را محکم می‌سازد. این کار نه تنها تمرین مفاهیم برابری و احترام به حقوق و توسعه‌ی ملت‌های دیگر است، بلکه مسیری برای بهبود تمایل و ظرفیت کشورهای منطقه برای مشارکت در اداره اقتصاد جهانی، مقابله با افکار یکجانبه‌گرایی، ضدجهانی‌گرایی و «جنگ سرد جدید» است. دیپلماسی اقتصادی چین در خاورمیانه به عنوان بخش مهمی از دیپلماسی اقتصادی چندجانبه، توسعه متقابل و همچنین صلح و ثبات را ارتقا می‌دهد. علاوه بر این، تعاملات اقتصادی بین چین و کشورهای خاورمیانه به شکل‌دهی اقتصاد جهانی باز و ترویج اصلاحات حاکمیت اقتصادی

جهانی کمک می‌کند و سبب همکاری برد-برد و توسعه متقابل کشورها خواهد شد.

دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه‌ی پساداعش نیز همانند کشورهای دیگر بر تامین انرژی و تعقیب منافع اقتصادی متمرکز است و در عین حال الگوهای همکاری را برای تعمیق روابط خود تنظیم می‌کند. همچنین، چین در نظر دارد از طریق دیپلماسی اقتصادی، با حمایت گسترده کشورهای منطقه، مناقشات ژئوپلیتیکی و امنیتی را حل و فصل کند و صلح و ثبات را در خاورمیانه ارتقا دهد. کشورهای جنگ زده مانند سوریه، یمن و لیبی در بحران‌های انسانی شدید گرفتار شدند. همه‌گیری کووید-۱۹ همچنین روند حمایت‌گرایی و ضدجهانی‌گرایی را تشدید کرده و مانع از بهبود اقتصادی کشورهای خاورمیانه شده است و چین نیروی محرکه قوی برای احیای مجدد اقتصادی در خاورمیانه را فراهم می‌کند. از سرگیری تولید صنعتی چین، این کشور را به تامین‌کننده اصلی کالای جهانی تبدیل کرد و به سرعت تقاضای انرژی خود را افزایش داده است. علاوه بر این، چین اصول چندجانبه‌گرایی و تجارت باز را که برای کشورهای خاورمیانه با اتکای بالای اقتصاد خارجی بسیار حیاتی است را حفظ کرده است. بنابراین، چین در راستای اقتصاد جهانی آزاد از سوریه و بازسازی آن حمایت می‌کند.

گسترش سریع سرمایه‌گذاری‌های تجاری، دارایی‌های اقتصادی و تامین انرژی چین از منابع خارج از کشور، بخشی از منافع اصلی پکن را تشکیل می‌دهند که از اهمیت زیادی برخوردار هستند، به‌ویژه این که نیازمند سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی نوآوری تکنولوژیک نیز می‌باشد وقتی این منافع به خطر می‌افتد، سیاست خارجی چین منابع دیپلماتیک و دیپلماسی اقتصادی خود را برای دفاع و تعقیب منافع خود به کار می‌گیرد. با رشد مستمر منافع اقتصادی پکن و گسترش مداوم سرمایه‌گذاری در خارج از کشور، سوریه نیز یکی از کانون‌های مهم برای چین به شمار می‌رود. با این وجود، ناامنی‌ها و خرابی‌های گسترده در

دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه پس‌اداعش ۲۱

سوریه نشان‌دهنده مشکلات شدید منطقه‌ای با عواقب جهانی است. از این رو، چین شروع به مشارکت، هرچند محتاطانه، در حل و فصل این اختلافات کرده است تا از منافع در حال گسترش خود در خارج از کشور، شهروندان خود و تامین انرژی خود محافظت کند و در عین حال نفوذ سیاسی منطقه‌ای خود را با احتیاط گسترش دهد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد رویکرد دیپلماسی اقتصادی چین در سوریه در سه سطح عمل می‌کند: حفاظت از شهروندان و سرمایه‌گذاری‌ها، توسعه اقتصادی و کمک‌های اقتصادی و اقدامات تنبیهی و مشوق‌های اقتصادی. این رویکرد که با انعطاف‌پذیری شدید و عمل‌گرایی مشخص می‌شود، توسط دو عامل اداره می‌شود: نخست، اختلافات منطقه‌ای و بی‌ثباتی، پکن را مجبور می‌کند تا در درگیری‌های محلی مداخله دیپلماتیک کند تا از منافع تجاری، شهروندان، تامین انرژی و دارایی‌های خود محافظت کند. دوم، دیپلماسی چین در مناطق درگیری از ابزارهای تجاری و اقتصادی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود و تسهیل تلاش‌های خود برای حل مناقشات استفاده می‌کند. این رویکرد وجهه چین را به عنوان یک قدرت بزرگ در حل مناقشه و ایجاد صلح تقویت می‌کند و می‌تواند وجهه بین‌المللی چین را تقویت کند و در نتیجه قدرت نرم این کشور را افزایش دهد.

References

- Ahval News (2019), “Turks Embrace Russia, China, Reject U.S.-U.S. State Dept Poll,” January 15, <https://ahvalnews.com/russia-turkey/turks-embrace-russia-china-reject-us-us-state-dept-poll>.
- AIIB (2022), “Members and Prospective Members of the Bank,” August 10, <https://www.aiib.org/en/about-aiib/governance/members-of-bank/index.html>.
- Calabrese, John. 2018. ‘China’s Role in Post-Hegemonic Middle East’, Middle East Institute, 1 May, <http://www.mei.edu/content/article/chinas-role-post-hegemonic-middle-east?print> (accessed on 5 May 2018).
- Chaziza, Mordechai and S. Ogen Goldman. 2016. ‘What Factors Increase the Probability of Chinese Interventions in Intrastate Wars?’, *Asian Journal of Political Science*, Vol. 24, No. 1, February, 1–20.
- Chaziza, Mordechai. 2018. ‘China’s Mediation Efforts in the Middle East and North Africa: Constructive
- Chen, Zheng. 2016. ‘China Debates the Non-Interference Principle’, *The Chinese Journal of International Politics*, Vol. 9, No. 9, September, 349–74.
- China Daily. 2016. ‘President Xi’s Speech at Arab League Headquarters: Full Text’, 21 January, http://www.chinadaily.com.cn/world/2016xivisitmiddleeast/2016-01/22/content_23191229.htm (accessed on 5 May 2018).
- Conflict Management’, *Strategic Analysis*, Vol. 42, No. 1, March, 29–41.
- Duchatel, Mathieu, Oliver Brauner and Zhou Hang. 2022. ‘Protecting China’s Overseas Interests: The Slow Shift Away from Non-Interference’, SIPRI Policy Paper No. 41, Stockholm: Stockholm International Peace Research Institute, June, <https://www.sipri.org/sites/default/files/files/PP/SIPRIPP41.pdf> (accessed on 15 July 2018).
- Evron, Yoram (2017), “China’s Diplomatic Initiatives in the Middle East: The Quest for a Great-Power Role in the Region,” *International Relations*, 31(2): 125–144.
- Guedry, M., & Liang, W. (2023). China’s global energy diplomacy: Behavior normalization through economic interdependence or resource neo-mercantilism and power politics? *Journal of Chinese Political Science*, 21, 217-240.
- Gulmohamad, Z. Khasraw. 2023. ‘The Rise and Fall of the Islamic State of Iraq and Al-Sham (Levant) ISIS’, *Global Security Studies*, Vol. 5, No. 2, Spring, 1–11.
- Heath, R. Timothy. 2023. ‘China’s Evolving Approach to Economic Diplomacy’, *Asia Policy*, Vol. 22, July, 157–91.

- Kastner, Scott L. and Pearson, Margaret M. (2021), "Exploring the Parameters of China's Economic Influence," *Studies in Comparative International Development*, 56(1): 18–44.
- Lee, Raymond. 2022. 'Implications of the War in Yemen on China'. Al Jazeera Centre for Studies, 10 June, <http://studies.aljazeera.net/en/reports/2015/06/2015610104657143413.htm> (accessed on 5 May 2018).
- Matteo Dian and Silvia Menegazzi (2018), *New Regional Initiatives in China's Foreign Policy: The Incoming Pluralism of Global Governance* (New York: Palgrave Macmillan), p. 4.
- Medeiros, Evan. 2019. *China's International Behavior: Activism, Opportunities, and Diversification*. Santa Monica, CA: RAND Corporation.
- Middle East Monitor (2017), "China is Largest Foreign Investor in Middle East," July 24, <https://www.middleeastmonitor.com/20170724-china-is-largest-foreign-investor-in-middle-east/>.
- Oosterveld, Willem. 2023. 'China in the Middle East: Testing the Waters, Linking the Lands'. *The Diplomat*, 25 August, <https://thediplomat.com/2017/08/china-in-the-middle-east-testing-the-waters-linking-the-lands/> (accessed on 5 May 2018).
- Potter, B. K. Philip. 2023. 'Terrorism in China Growing Threats with Global Implications', *Strategic Studies Quarterly*, Vol. 7, No. 4, December, 70–91.
- Qian, Xuming. 2022. 'The Belt and Road Initiatives and China's Middle East Energy Policy', *International Relations and Diplomacy*, Vol. 4, No. 10, October, 611–16.
- Ramani, Samuel. 2022. 'China in the Middle East: The Iraqi Kurdish Question'. *The Diplomat*, 5 October, <https://thediplomat.com/2017/10/china-in-the-middle-east-the-iraqi-kurdish-question/> (accessed on 5 May 2018).
- Reuters. 2018. 'China Says Deeply Concerned about Yemen Situation', 26 March, <http://www.reuters.com/article/2015/03/26/us-yemen-security-china-idUSKBN0MM0MB20150326> (accessed on 5 May 2018).
- Robbins, Michael (2020), "Is this China's Moment in MENA?" *Arab Barometer*, July 24, <https://www.arabbarometer.org/2020/07/is-this-chinas-moment-in-mena/>.
- Shichor, Yitzhak, 2016. 'Iran after the Sanctions: The Marginalization of China', *Note Observatoire China*, March, http://www.centreasia.eu/sites/default/files/publications_pdf/5-note-shichor-dgris_mars2016.pdf (accessed on 5 May 2018).
- Silver, Laura, Kat Devlin and Christine Huang (2019), "China's Economic Growth Mostly Welcomed in Emerging Markets, But Neighbors Wary of Its Influence," December 5 (Washington, DC: Pew Research Center), pp. 27–33, <https://www.pewresearch.org/global/2019/12/05/chinas->

- economic-growth-mostly-welcomed-in-emerging-markets-but-neighbors-wary-of-its-influence/.
- Singh, Abhijit. 2022. 'A "PLA-N" for Chinese Maritime Bases in the Indian Ocean, 'Pacific Forum CSIS, 26 January, https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/publication/Pac1507.pdf (accessed on 5 May 2018).
- Sun, Degang and Yahia Zoubir. 2022. 'China's Participation in Conflict Resolution in the Middle East and North Africa: A Case of Quasi-Mediation Diplomacy?', *Journal of Contemporary China*, Vol. 27, No. 110, October, 224-43.
- Szulecki, K., & Overland, I. (2023). Russian nuclear energy diplomacy and its implications for energy security in the context of the war in Ukraine. *Nature Energy*, 8(4), 413-421.
- Wang Yiwei. 2023. 'Jingji wajiao fazhan moli' (Economic Diplomacy Unveils China's Appeal), *Renmin Ribao*, 3 December, <http://www.people.com.cn/GB/guoj/1030/3034453.html> (accessed on 5 May 2023).
- Wen, S., & Chen, Y. (2022). China's Middle East Economic Diplomacy in the New Era. *Chinese Journal of International Review*, 4(02), 2250007.
- Workman, Daniel. 2018. 'Top 15 Crude Oil Suppliers to China', *World's Top Exports*, 13 January, <http://www.worldstopexports.com/top-15-crude-oil-suppliers-to-china/> (accessed on 5 May 2018).
- Wu, F. (2023). China's puzzling energy diplomacy toward Iran. *Asian Perspective*, 39(1), 47-69.
- Xuanli Liao, J. (2021). China's energy diplomacy towards Central Asia and the implications on its "belt and road initiative". *The Pacific Review*, 34(3), 490-522.
- Yang Jiang. 2022. 'China's Economic Diplomacy in Conflict Regions', in Lars Erslev Andersen, Anoush Ehteshami, Mamtimyn Sunuodula and Yang Jiang (eds) *China Pivots Westward by Rekindling the Silk Road Linkage: Past, Present and Future of China's Silk Road in Central, Western and Southern Asian Regions*. Denmark: Danish Institute for International Studies, 31-5.
- Zidane, Salam (2019), "Iraq, China Launch 'Oil for Reconstruction' Agreement," *Al-Monitor*, October 8, <https://www.al-monitor.com/originals/2019/10/iraq-china-india-oil-construction.html>.